

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ایرانی مشرقی ترک روش فکر اجتماعی نینهار کانی

شیخ محمد خیابانی

شماره ۴۰ ایل ۴ دی ۱۳۵۷ زانویه

بیز ستارخان چل مسیو، حیدر عمو او غلی، خیابانی، ارانی، پیشه ورزی و بھرنگینیں یولو ایله گدیریک!

مبارزه پیگیری
در چهار چوب قانون اساسی

با اوج کهربی و گسترش جستینش انقلابی توده های رحمتکش و ملل محروم ایران عقب شنینی دربار و هیئت حاکمه آهنگ روز نامه های بلندگوی دربار نهض شکل نسیب بخود میکرد . بیشتر روز نامه ها و آثاری که اخیراً آنرا شروع به انتشار نموده اند بدومیله " رزیم " و " قانون اساسی " تکیه میکنند ، کلمه " رزیم " که ، قریه توکران دربار محمد رضا شاه سلطنت خاندان پهلوی را با آن برده بپوشن میکنند ، از مشیحت ندارد . زیرا نه تنها سلطنت پهلوی ، بلکه بطور کل رزیم سلطنت جناب اصول کشوردار است که ، سپه جبرت - ساریخ سالها بیش فاتحه آثار خوانده است و این حمایت و پشتیبانی امپریالیسم جهانی و ارتقای این العمل است که ، تا امروز آنرا در ایران سریعاً نگاهداشته است و اینکه رزیم سلطنت امروز دارایان زائده " قانون اساسی فعل بوده و مقدراتش نیز بوجود دست و حیات آن وابسته است . لذا بمحوره بقانون اساسی بطور مستقیم اطهار سفر در رباره " رزیم سلطنت بطور کل نیز میباشد . قانون اساسی امروزی میباشد که ایران نزهه خون مجاهدین قهر مان و جانبازی میباشد پرستان صدر مشر و طیت میباشد . بیش رو و ان مشروطیت و رهبران فکری آن ایجاد رزیم جمهوری را در مردم نظر داشتند ، نه رزیم مشروطه سلطنت را اما در این قرار گرفتن نیرو های انقلابی بین دو منکنه ارتقای آن دوران ، یعنی روسیه تزاری و امپریالیسم افغانستان این آرزوی بیش روان انقلاب جامه عمل نیو شد . تزار از انسداد نیرو های انقلاب را آنکارا از بین برد و امپریالیسم محلی افغانستان بکن توکان دیرینه خود و فشودهای تغییر شکل داده قانون اساسی امروزی را جنبه " قانونی داد . لذا بنظر ما قانون اساسی امروزی ایران ، حتی هفتاد و سال بیش جو ایگوی خواسته ای نیرو های انقلابی و ملل محروم ایران بسود . علاوه بر این قانون اساسی و متهم آن از روز بیدایش خود هیچگاه بموقوع احرا گذاشته نشد و فتوحهای قدیمی در لباس مشروطه به حکومت خود ادامه دادند و بوبیزه رضاهه و فرزندش محمد رضا شاه در طیول سلطنت های قدری خود تمام جهات مثبت آنرا مطلع نموده بمنع دیکتاتوری خود تعییر دادند . بنابر این قانون اساسی امروزی ایران بهیجسو حمه توده های رحمتکش و ملل محروم ایرانرا که طول هفتاد سال بینهایت پیشتر فت نموده اند ، تا مین نمیکند . دفاع از قانون اساسی ، طب اجرای دقیق آن ، مبارزه علیه قانون سیاه ۱۳۰ و ظایران حزا راستن پیشه زن هفتاد ساله با غازه و زلف مصنوعی چیزی نیست . زیرا بفرض احراری دقیق قانون اساسی و متهم آن بشکل که بوجود آمد / که خیالی بیش نیست / او لا جو ایگوی خواسته ای رحمتکشان را شنکنارا ن متفرق ، حرده بسوزواری روحان بیش رو ایران نیست . زیرا خواست آنها رزیم جمهوری است که با ماهیت قانون اساسی و متهم آن منافی دارد . رزیم جمهوری بددیده " نسیو است که ، مستلزم قانون نسیو مناسب خود میباشد ، ثانیاً قانون اساسی و متهم آن نه تنها خواسته ای ملل محروم ایرانرا برآورده نمیکند ، حتی برعلیه آن نیز میباشد . میباشد ما ایران کشوری است که از مجموع قسمت های ملل اسامی منتفع شکلی یافته است . ملت فارسین ملت حاکم و زبان آن زبان رسمی دولتی است . بقیه " ملل ایران / کرد - ترک - عرب - بلوچ - ترکمن / که ، دو سوم

شاه پت کنی تاکه نخت را تابوت
و طر طلب ر تو کار دلواره کد

جهان مو بنو بار است، لیک مردان حسر
مانو، خود ندیم العما بکند



هر آنکه قد علم ضد این حما کند
به پیشگاه وطن دین خسروه ادا نکند
چراز ثروت ما لند است خلد برین؟
برای ماز چه آماده جز هزا نکند
هرار خون خورستان جهان چراغانست
ولی بودده خود هدیه جز بلا نکند
چو داده مام طبیعت بعلق ما همه چیز
فرنگ و شش بخشی زندگی چرا نکند؟
محب! محبط حراب عافلان میهن را
دار و غربت و حسنه میه روایه کند
و بیث مسیر آمریک را مشانده صدر
حیا رکرده و خود مشوت بهایه کند؟
شه است سلله حیان فرق و قید و جهالت

حون خلق شهی گر ساخت شهرت حوبش
بگشته ده آمریکا، دگر چها نکند ۱۹
به پیش چشم کسی کو کند چین پستی
جه کارهای رذبلانه در فنا نکد ۲۰
من لده شاه وطن را بحاح دلت و پستی
بر این دنائت خسود باز اکندا نکنه
کرن وطن چو گهانه در روشن دهی، اکس
دم از خسدار زند و شرم از خدا نکند
رای آنگه رمانی ز حون نودده مسردم
بر فقص آید و تخت شهری رها نکند
کند بحث تسم میر به کش
وزیر تباہی اهریمسی جبا نکند
گهدا حدای وطن گشته ایش، هری
که غربیت دیریه این آنگه نکند
عصر بیستم این منتهای مدینخنی است
که، خلق در عل شه سر عاجزانه کند
دلاوران وطن عالله ندمیزی
که، حوك مزرعه را ترک یاد دعا نکند
نذر بوشت مر این حرف خاق را باید
که، پشت خم شده را خز مزار و انکند
حال حوبش گدارند اگر اسیر هوسر
ر عیش، و میته و شهوت که، خود اینکند

نهاده است بر این رور امکنده می
بجز یگانگی این درد را دوا نمکت
اگر زند نمی ساده توده طوفانست
که کوه از عصش سر بر آستانه کند
ز گوره آهن نفه برون گشد آهن
علاج درد بجز سی و کار ما نمک
صدای شرق بد ایران، سکوت راسی است
که، شیر وقت جهش هیچ گه صدا نمک
بقلب نموده ایران ر کینه غوغاییست
ل از هم ارجه چو آتشستان حدا نمک
انتظار صدای شمامت گوش جهان
که، حلن کاره کی آغاز این تراشه کـ
ایم گرفن آزادیت بعثت و پکوش
کسی سجای تو اینکار را، ملا نمک

بختیار محکوم به شکست است

اویل نوامبر سال گذشته، بستور اربابان امیریالیست خود، شاه با آرزو های طول و نیاز و امید های غراون آخرين تک خال خود را بکار برد و دولت نظامي اوت تبدیل علامه رضا از هاري را بکار گذاشت. اما می که، با شعار "آتش ملی" قدم به میدان گذاشت بود، با قتل و کشتن های بیسابقه و بحای گذاشتن هر اوان شهید از مردمی سلاح در سرتاسر کشور، نه تنها مسابل آتش ملی نشد، بلکه بر عکس آتش خشم تسوده ه ساراده چندان نمود. گماشتن ارشتد از هاري و حکومت آتشی او بجا حکومت امامی بدان معنا بود که، شاه کمان میگردکه، با ریختن حون با زخم بینتر قادر به حاموش نمودن حرکت تسوده ای و مهار حرواد خواهد بود. ولی شاه و اربابان آمریکائیش مانند همینه، اینبار نیر کور حوانه بسودند. موح انقلابی جدید توده های رحمتکش و ملل محروم ایران به پیروزیه قابل مقایسه با حرکات انقلابی گذشته نیست. این حرکت بتمام معنا جنبه "عموم حلق سخود گرفته" تمام طبقات و قشرهای اجتماعی و ملل محروم ایران را علیه زیم سلطنتی هیئت حاکمه "عامل و اربابان امیریالیست شان" به میدان بیکار کشاند. است. از هاري در مدت دو ماہ حکومت خود، با امر شاه هرجه توانت از توده هایی دفاع قتل عام کرد و تمام پیرویش را زد تا کارگران صنایع نفت را بـزور سرکار بـگرداند. ولی تمام اینکار های از هاري جون پـانـدـیـن بنـزـین روی آتش بـمنـظـور خاموش کردن آن بـسـودـه اـمـواـجـ اـنـقـلـابـیـ تـسوـدـه اـیـ کـهـ بـپـیـشـ اـزـ حـکـمـتـ اـهـارـیـ با فـاصـلهـ هـایـ مـیـمـنـیـ اـنـجـامـ مـیـکـفـتـ رـوـ رـاـنـهـ شـدـ وـ دـرـ مـرـاسـرـ نـوـاحـ وـ بـخـشـهـایـ کـوـچـکـ کـشـورـ نـیـزـ سـرـبـارـ زـدـنـدـ اـمـیرـیـالـیـسـتـ آـمـرـیـکـاـ، شـاهـ وـ هـیـئـتـ حـاـکـمـ اـزـ بـیـهـ رـوـیـ کـارـآـوـدـنـ حـکـومـتـ اـرـشـیـانـ دـرـ مـسـتـعـکـسـ آـنـ نـتـیـجـهـ اـیـ رـاـ گـرـ فـنـدـ کـهـ، دـرـ نـظـرـ اـنـدـنـدـ.

تمام امید های شاه و آمریکا بیان رفت. مسئله "کنار رفتن شاه و تکمیل شورای سلطنتی نیزدیگر نمیتوانست مطرح شود. یکانه راهی که، بین پیای شاه مانده بود رفتن از همان راهی بود که، یورش سال ۱۳۲۰ در پیش گرفت، منتهی چون رفتن محمد ظاهر شاه، زیرا اریکسال پاییں طرف شاه برای ایجاد اختلاف رصوف ایوب زیمین پیش رفت و نیز نگ که، متول شد، نیز پسندگ خود، سیل کارشناس حدید نظامی و "سیا" که آنروزها بایران سزا بیرون شد، بودند نیز قدری به ایجاد نکاف در صفو نیرو های ضد زیم سلطنت شدند. لذا روز سی ام دسامبر گذشته سادر شاه با نیز زده نفر افسرداد حانواده، بعلوی و دودک و مه گربه خود در فرودگاه لوس آنجلس فرود آمد، تا در مالکانه ایکه، دخترش اشرف مدقی بین برای روز مبادا خریداری کرده بود، بسر برید. بموازات این خبرگزاریها اطلاع دادند که، شاه نیز برای استراحت و معالجه قصد حروج از ایران را دارد. ولی یکروز بعد در بار سفر شاه را تکذیب نمود زیرا حرقه، امیدی در دل شاه روش نکرده بودند. کارشناسان حدید "سیا" از همه درهای سرشناسان جبهه "ملی" که از ده بسوندند، بالاخره از یکی حواب مثبت شنیدند. این شخص شاه بیور بختیاری بود که، ارجمند روز پیش نامن سر زبانها افتاده بود. ولی تردیدش در قبول مسئولیت باعث سفر ملکه مادر و شایعه "سفر شاه" گشت. تا اینکه ماه مواران "سیا" اورا از ترس و دودلی در آروده و آماده "قبول مسئول" لیش کردند. در نتیجه شاه و هیئت حاکمه از وضع سردگرمی که، داشت رشته امور کاملاً از دستشان در میرفت، موقتاً بیرون آمد و از هاري که، ارجمند روز بین به بهانه "سکه" قلبی و معالجه ازانجام وظیفه عاجز شدند، "عملانه" کناره گرفته بود، رسمی روزی ویک

سرنگونی رزیم سلطنت و برق‌سازی جمهوری متحده^{۱۰} دموکراتیک توده‌ای می‌باشد. بنابر این مدافعه از قانون اساسی و شاه در شرایط امروزی بهمن درجه ارجحای وعقب مانده است که، خلسله و از بین بردن مساجدین و رهبران آن در حادثه^{۱۱} بارگردانی شوند. از اینروه هر کس و یا هر گروهیکه بحمایت از رزیم سلطنت و قانون اساسی برخیزد حزب‌عامل امیر پالیس و نوکران آن در ایران، جزء دشمن توده های زحمتکش و ملل محروم ایران نمی‌باشد.

از سخنان شاهبورو بختیار جنین استنباط مینمود که، وی در نظرداد رسید
- تهم سلطنت مشروطه برقرار کند . یعنی شاه سلطنت کند که حکومت
بدیگر سخن بختیار میخواهد که، حکومت مطلقه "شاها را" سرنیزه^۰
شونیسم فارس بود، ازاوگرفته بگروه بسوز روازی ملی شوینیست
و اگذار کند . اینکار، اگر صورت گیرد، تعییری در ماهیت هیئت حاکمه نخواهد
داد . نه ایران اریه امپرالیسم نجات خواهد یافت، نه توده های وسیع
برنده شرافتمند آزاد دست خواهد یافت و ملل محروم ایران به
حقوق ملی خود نایل خواهند شد . دستگاه کهنه با گردانندگان جدید بکلر
خود ادامه خواهد داد . امپرالیسم همجنان بغارثروت ملی واستمار
توده ها ادامه خواهد داد و ملل محروم^۱ جسون گذشته، کابوسن ظلم و
تحقیر ملی را دربربر جشم حسین مشاهده خواهند کرد . پر واضح است که،
در جنین شرایطی "آزادی احزاب در چهار چوب قانون اساسی" که،
شاهبورو بختیار از آن دم میزند^۲ بیویزه با وجود قانون سیاه^۳ چیزی
جز آزادی احزاب^۴ و آزادیهای دموکراتیک و ران محمد رضاشاه نخواهد بود .
زیرا رضاشاه و فرزندش محمد رضاشاه نیز تحت همین کلمات تمام احزاب
متفرق را داغون کرده^۵، ازین برد و آزاد بخواهان و میهن پرستان حقق را یا
در زندانها تحت شکنجه ازین بردند و یا مجبور بترک میهنشان کردند .
خلاصه محس اینکه، قانون اساسی که، بعداً از طرف رضاشاه و فرزندش
مثله گشته و احرا نگردید، منعکس کننده^۶ آراء آن اجتماعی میباشد
که، از قلب ققود ایسم بیرون آمد، و راه تولید سرمایه داری را در بیش
گرفته است ولذا محتوى قوانین دموکراتیک بسوز روازی است . اما جمیعت
ایران امروز این مرحله^۷ تاریخی را پشت سر گذشته و میخواهد بسوی اجتماع
سوسیالیستی بیش رو دد . لذا احتیاج بقوایینی دارد که، منعکس کننده^۸
حقوق دموکراتیک توده ای باشد و جنین قوانینی ماهیتاً نقطه^۹ مقابل
قانون اساسی و متم آن میباشد .

بختیار میخواهد جهه بکند؟

شاهپور بختیار در نخستین سطح رادیویی خود که، قبل از نخست- وزیر شدن ایجاد نمود، برنامه "تقریبی حکومت را که، بنای بود تشکیل بددهد، بیان نموده" این برنامه جیزی حزارالله آثاربخشی از کنندگار- یهای حکومتهای سابق بود که "تحت ریاست عالیه" محمد رضا شاه انجام گرفته بوده بختیار گفت: ((زندانیان سیاسی را آزاد خواهم کرد. حکومت نظام ایران اساساً امکان فعالیت خواهم داد و مختصاتین ورزشان را باز مانهای می‌سازی در چهار جوب قانون اساسی دولتی را محاکمه خواهم کرد)). ملاحظه می‌شود که، برنامه آقای شاهپور بختیار هیچ فرق اساسی با برنامه‌های امامی و ارهاری ندارد. آنها نیز طول مدت حکومت خویش با آب و تاب از ایس مسائل سخن راندند. آنها وقتند ولی نه زندانیان سیاسی آزاد شدند. نه مختصاتین و جنایتکار سابق به بای میز محاکمه کشانده شدند. بر عکس در زیر پرده این تبلیغات دزدان سابق پولهای خود را بخان انتقال دادند و خود ایمن‌تر کنودند. سالیکه نکوست از بیهار بیداشت. از آنجه در بالا گفته شد، معلوم است که، شاهپور بختیار نیز کاری حزب اسلام و حزب اسلام آن را نخواهد داشت.

نهاهی بورختیار در سخنان خود گفت: «من در عرض ۲۵ سال اخیر،
عنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی حکومت قانونی دکتر محمد
مصدق که، حکومتهای فاسد و ضد ملی جامعه ما را بفساد و نابودی و بسی
ای همای سوق داده اند شرکتی نداشتم». شاید این ادعا صحیح باشد و لی
عدم شرکت در حکومتهای ضد حلقه ۲۵ سال اخیر بهمچ وحه نشانه.
بی-شرکتی، دلیل نسبت امپریالیستی و متفرق بودن و علاوه بر طرفداری از
ملل محروم و حمتکنن ایران نمیتواند باشد.

آقای بختیار! پس دران سردار شما نیز، هنگامیکه توده های انقلابی بهدف میرسیدند، بالباس انقلابی و مصلحی قدم بمیدان گذاشته و منافع آموزگاران و محركین خود را هشتاد سال تاً میں گردند. آیاتوده- های وسیع رحمتکش و مملو محروم میهیں ما با جنین سوابق درخشنان شما و تحارب تلحی که، دیده اند، بشما اعتقاد خواهند کرد؟ بهیچوجهه.. توده های وسیع حلق را برای مدتی میتوان گول زد و بزنجیر کشید،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میشد . . . آری بدر "سردار" آقای شاهبورو بختیار چنین انقلابی را حفه کرد و ایران و ایرانیان را هستاد سال دیگر دریند امپریالیسم و ارتضاع نکاه داشت، هستاد سال دیگر ایران را از کاروان تمدن عقب گذاشت.

بس از هشتاد سال ایسک که، رحمتکشان و ملل محروم ایران مردانه قیام کرده، و دارند بینان رزیم سلطنت و دستگاهیرا که، مردانه بختیاری آنرا بر ایشان تحمیل کرده اند در هم کوبنند، فرزند همان سرداران آقای شاهپور بختیار سوگند یاد میکند که، از سینگونی آن حلوگیری نماید و گذارد زنجیر اسارت از دست و بی رحمتکشان و ملل محروم ایران باره شود .

— 1 —

اقای بختیار اعلان کردند که «سفری به تبریز و اهواز خواهند کرد» امتحان
این دو شهر نکته قابل تعمق و بررسی می‌یابد. جنبش ضد امپریالیسم و
حد روزی امرور تمام شده را و مناطق کشور را فرا گرفته است. این
اقای بختیار از همه شهرها فقط اهو از تبریز را برگزید؟ جنبش
امروزی دارای دو عامل و محرک اساسی است: عامل طبقاتی و عامل ملی.
این اصریبه هیئت حاکمه ایران پوشیده نیست. از لحاظ جنبش خالص کارگری
اعتراض کارگران سفت که، اینست نام اقتصاد کشور را فلچ کرده و روزیم را
درین بساعجهیی گذاشتند، شکی نیست، آقای بختیار با سفر خود به
اهواز میخواهد کارگران قهرمان صنایع نفت را اغفال کرده و آب رفته را
به هوی بازگرداند. پس دران بختیار با اغفال پیشروع ان رحمتکشان
توانستند فاجعه بسارک اتابک را بموقعت بیان رسانیده مسافر امپریالیسم
وارجاع ایران را «مین نمایند». آیا شعور طبقاتی کارگران ایران در
عرض هشتاد سال تا آن اندازه پائیس آمده که آقای بختیار بتواند آنها را
اغفال کرده، مسافع امپریالیسم آمریکا و رژیم سلطنت را تا «مین نماید؟
اینکار بختیار را حزب خیال دون کیشویزم و کوتاه نظری نمیتوان به چیز دیگر
تعجب نمود.

از آغاز مشروطیت آذربایجان و تبریز مرکز نقل حبشه از ادیغه
ملی و مشعقار آزادی و حقوق ملی در ایران بوده است. امروز نیز
تبریز جنین وظیفه بر اقخار را ایفا میکند. در آن دوران پداران آقای
شاه همراه بختیار با دسیسه و رهبری اگلستان ستاره ایان، با قرمان و محاقدین
تبریز را بهتران کشانیده و در پارک اتابک با ازبین بردن آنها هم انقلاب
و هم حرکت ملی خلق آذربایجان را خفه نمودند. آیا در عرض هشتاد سال
اخیر شعور ملی آذربایجان تا آن درجه فروکش نموده است که آقای شاه هم
بختیار بتواند آنرا در تبریز اغفال نموده و زیم سلطنت ^۱ شوینیس فارس را داد
پس از ملک محروم ایران تحمیل کند؟ این نیز جزو حیال خام جیزی نیست.
از آغاز انقلاب مشروطه تا امروز رحمتکشان و ملک محروم ایران د
مبازه در راه آزادی و حیات جنان شکسته ای آمورند و تلحی ارس گذراند
- اند، آقدر باریهای گوناگون و چهره های السوان امپریالیسم و ارتقای
 محلی را دیده اند؛ ناهمد جنان بی عدالتیها، ظلمها حق کشیها،
 استبداد و خودسریهای قدریها، رندانها، شکنجه ها، اعدام و تیران
 بارانهایشان اند به جسان بدختیها، فقر و فلاکتها، استتمار
 و حشیانه بیگانگان و همدستان ایرانی آنها، طلسها، تحقیرها و شمارهای
 ملی، غربتها، دریدریها، ۰۰۰۰ تحمل نموده و از آنها جنان در سرم
 سلطنت و عمل آنرا نخواهند خورد. بگذار آقای شاه همراه بختیار "عرض
 خود را نبرد و حمت نموده های ایران را نداده" .

آقای شاهپور بحتیار در سخنرانی خودکه، در بالا آن اشاره کردیم،

حق : ((مادا ایران دوچیزداریم ، قانون اساسی و شاه)))
خواستها و شعارهای حرکت امروزی توده های رحمتکش و ملل محروم
ایران را عینیاً بررسی و تحلیل کنیم در خواهیم یافت که آنها در هدف نه
- ئی درست علیه این دو پدیده که آقای بختیار ار آنها مدعیه مینمایند
مبارزه میکنند . زیرا اینها علت العلل تمام بدیحثیه ای آنهاست . در شرایط
قانون اساس فعلی و مستمر آن وجود رژیم سلطنت و شاه ضروری
است . با بر این مبارزه " توده ها علیه شاه و رژیم سلطنت عمل نمایند
محالفت با قانون اساسی و مبارزه برای تعویض آن میباشد . قانون اساسی
حتی هنگام صدور فرمان مشروطه بسال ۱۲۸۵ حوابگوی وضع اجتماعی
آن روز ایران بود و بیشروعان مشروطه در راه رژیم جمهوریت مبارزه
میکردند . امروزین از گذشت هفتاد و انده سال که توده های رحمتکش
و ملل محروم ایران بیشترته اند قانون اساسی و مستمر آن به وجود
حوابگوی اجتماع ایران نیست و سدی در راه پیشرفت ایران و ایرانیان مبدل
شده است . قانون اساسی با رشد نیاز اجتماعی توده های وسیع و
حقوق ملل محروم ایران که دو سوم همیعت ایران را تشکیل میدهد

بختیار مهکوم به
ان بیکار خارج میشدند . بیروزی تبریز و متارحان ، برقاری محمد
مشروطه و برکسایی محمد علیشاه غیرقابل اختبار بود . از همین
روز هاست که ، به اسماء سرداران و سالا ران بختیاری که ، به " طرفداری " از
مشروطه برخاسته بودند برخورد میکنیم . در سرتیفیکات ز مستان رور
۲۴ اسفند ۱۲۸۷ که ، تبریز در محاصره نیروهای دولتش بود ، علمی نجف
از وضع دشوار تبریز آگاهی یافته به صمام السلطنه بختیاری تلکراف
میفرستند که ، بیاری تبریز شتابد . کمروی در این باره میتواند : ((صمام
السلطنه در حالی نمیمود که ، یاوری به تبریز تواند . صمام السلطنه در
ابهان نشته رسیدن سردار اسعد را که ، بنادرگزار آن حسنه و ایسر
زمان از اروپا آهنج ایران کرد ، در راه نمیمود . میتواند)) / کمروی تبریز
تاریخ مشروطه ایران . جاپ هشتم . مهرماه ۱۳۴۹ جر ۸۲۳ / مارچ
درست همین روز هاست که ، سردار اسعد بختیار از اروپا با ایران می شتابد و
نام سرداران و سالا ران بختیاری جون سردار بیهاد بختیاری ، ابوالقاسم
حاج بختیاری ، سردار اسعد بختیاری ، صمام السلطنه بختیاری و دیگران
در تاریخ مشروطه تماش میگردند و بدین حوزه منه آخرین صحنه :
انقلاب مشروطیت فراهم میشود .

انقلاب بیروز میتوود . محمدعلیناه ایران را ترک میکند . سرداران اسلوک از گیلان و اصفهان برای فتح تهران میآیند و مدتی بعد ستارخان و باقرخان نیز با مساحدهای با حیله بتهران کشانده شد و در بارک اتابک حای میگیرند . ستارخان و باقرخان روز ۲۸ اسفند سال ۱۲۸۸ بقصد تهران تبریز را ترک گفتند و روز ۱۵ تیر سال بعد بر اثر توطئه قیلاً آماده شد از طرف امپرالیسم انگلستان و تزار ارجاع ایران نیروهای دولتش پارک اتابک را سوره هجوم قرارداده ستارخان را سختاز خمس مساحدهای تبریز را خلع سلاح نمودند . کسری میتوید در این هحو علاوه بر نیروهای دولتی رول اساس را سواران بحتیاری بعده داشتند رهبر عملیات سردار بهادر بختیاری و یفرمahan بود . نگاه کن . تاریخ ساله آذریاچان . احمد کسری . چلچهارم . ۱۴۶۰ مص ۱۳۴۶ و ۱۴۲۷ تمام سورخین اعتراف میکنند که ، حادثه پارک اتابک اندوهناکتریس و فاجعه آمیز ترین صحنه از انقلاب مشروطه بود و جوں اینکاربا باشی ۱ میزبانیستهای انگلیس و روس و ارجاع ایران طرح ریزی و اجرا شد ، لذت چکونگی آن تا بحال آشکار شده و نیروی ارجاع تا بحال در پرده کشیدن بر روی ماهیت ، حقیقت گردانندگان و عاملین آن کوئنده است . با وجود این بنابه نهاد تاریخ نویسان مشروطه ارجاع محل و بین المللی بدست سواران بحتیاری و سرداران آنها هزد جانبازیها و فداکاریهای سردار مشروطه مجاهدهای قهرمان تبریز را در پارک اتابک بکف دستشان گذشتند و بدین نحو انقلاب بیروز شده مشروطه را حفه کردند .

بنا بر این هنگامیکه ستارخان و مجاهدین دلیر تبریز خون ریخته امشروطه مدافعه کرده و داشتن استبداد را باز انود رمیآوردند ارجاع بین العملی و مرجحیین تغییر شکل داده دستگاه کهنه محمد علیشاہی مشغایش ساخته اینده دولتش و تهیه نیروی برای خفه کردن انقلاب مشروط در تهران بودند لذا سواران بختیاری و سرداران خلق الساعه آنها برای نجات انقلاب نه بلکه برای حفه کردن آن بتهرا انعزام شدند برای این شادروان بیشه و ری میگفت: «روز هاییکه» ممتبدین مداخله رای ستارخان گناه بزرگ حساب کرده او را در بسارت اتابک محاصره کرده بودند در کوچه ها خیابانها و حتى حانه های تهران مال و حسان و ناموس من مرد بدست تعنیکداران بختیاری لکد کوب میشد اما مرکز بحای تبه کرد این اشای خانه ای آنها را بوزارت و صدارت منصب میکرد // سید جعفر پیشه و ری آذر ۰ ۱۳۴۰ ص ۸۲

چنین بود رول سوداران بختیاری در انقلاب مشروطیت .
شاهپور بختیار در سخنرانی خود بتاریخ ۱/۱/۱۹۷۹ با کمال افتخ
گفت : « من بعنوان پسریک از سوداران مشروطه ، ، ، ، سوگند یا
میکنم که ، ، ، ،) بنا بر این اینسان فرزند یک از سوداران فوق الذکر بختیاری
در دوران مشروطیت میباشند که ، سودار واقعی انقلاب مشروطه را از بیان
برداشت ، مجاهدین را خلی صلاح نمودند ، با همکاری و دیسیسه امیریالی
انگلستان و تزار انقلاب پیروز شده را خفه نمودند و زمینه تحمیل شویند
فارس و خاندان منحوس پهلوی و حکومتهای نوکر احباب بعدی را برابر
ایران فراهم نمودند که ، امروز رحمتکشان و ملل محروم ایران با عز و
راسته برای سرگشته آن قسمان کرده است .

بدر "سردار شاهپور بختیار" تحت رهبری امیر پالیس انگلستان
انقلاب پیروز شده، و بدست آمده با نیروی رحمتکشان و مجاهدین آذر ریاضی
را حفه کرد. انقلاب پیروز یکه، میرفت تمام رحمتکشان ایرانا بسوی آزادی
پیشرفت، بسوی کاروان تمدن نوسوq دهد، انقلاب یکه، میرفت تا حقوق مل
مل محروم ایرانا بر سمت بشناسد و از ملل برادر ایرانی معاصر بی ریز
نماید، انقلاب پیروز یکه، داشت مشعل آزادی برای تمام منطقه، "شرق میان

بختیار نسبت بمل محرم ایران هیچ فرقی از لحاظ ظلم ملوب حکومت های دوران بهلوی خواهد داشت. این ملل باید تحت حکومت "موسیل دموکراسی" آقای شاهپور بختیار همچنان از تمام حقوق ملوب مسروشند، زبان و فرهنگ ملی آنها تحت فشار و آسیمهای سیون شوینیسم فارس قرار گیرد، آنها باید زبان و ادبیات ملی خود را توسعه دهند، داشتن روزنامه و مطبوعات و مدارس ایران مادری اینان منع خواهد بود، آنها در اداره کارهای محل آزاد نبوده استانداران و مأمورین عالی رتبه برای "قیمت میت" آنها از تهران اعزام خواهند شد، این ملل چون گذشته به تحریر ملی معروض خواهند ماند، چون گذشته زبان بیگانه ای را بحقوق اتفاق نهاده ایشان ملی بزرگ فروخواهند کرد، چون گذشته مورد استمار فرهنگی شوینیسم فارس قرار خواهد گرفت، دیار این ملل با خواهد ماند.....

اعف قرار گرفته و شکل عهد دستگاه اعلان مینمایند؟ ((سوگند یاد میکنم که،

آقای شاهپور بختیار اعلان مینمایند؟ با خواهد ماند.....

با تجزیه طلب ۰۰۰ مبارزه کنم و طیفه ام تا مینم و حدت ایرانست امکان

تجزیه یک جواب از ایرانرا خواهیم داد))

"تجزیه طلبی" تهمت است که بس از نهضتها خلقهای آذری ایران

و کردستان در سال ۱۳۲۴ شوینیسم فارس آنرا بحرکات آزادی خواهی

ملی مل محرم ایران زد و زیری سلطنت و هیئت حاکمه فرمول" ملت

ایران "خود را با آن آرامش تکمیل نموده در صورتیکه نه نهضت

"۲۱ آذر" و نهضت خلق کرد هیچگاه خیال انسفال آذری ایران و

کردستان از ایرانرا نداشتند و چنین فکری مطرح نیز نشده بود. امروز

نیز نتمام مل محرم ایران در مبارزه "خود در راه کسب حقوق مل ایدا"

فکر تجزیه از ایرانرا ندازند و تمام خواستها و طلبات ایشان بداخل

سرحدات سیاسی ایران محدود میباشد. گوینده این ملل در تعیین

سرنوشت خویش کاملاً آزادند و هیچ قانون و قوه ای نمیتواند آنها را

بحبایه "عبدیت و قیمت ابدی دیگران در آورد. ملل ایران با

تجزیه ایران مخالفند ولی بهیچوجه حاضر بزندگی برد و ارتقا با

محرومیت مل نیز نمیباشد. آنها میخواهند با نیل بحقوق و آزاد

یهای مل خود برادر و را بهم زندگی کنند و آزادانه باهم متعدد

شده و ایران شکوفان بوجود آورند. این وحدت آزادانه با

وحدتیکه محضر ضاوه از آن دم میزند" با وحدت بزرگ سرنجه

و چه تشبیه ندارد. آقای شاهپور بختیار نیز میخواهد با سلب

آزادیهای مل مل محرم "بوضعت محضر ضاوه" اداء دهد.

خطر تجزیه ایران درست از همین ظلم مل و اتحاد اجباری

سرچشم میگیرد، نه نیل مل محرم بحقوق و آزادیهای مل خوده

آنها، شاهپور بختیار میگوید: ((من امکان تجزیه یک جواب از ایران را

خواهیم داد)) منظورش جز حفظ وحدت اجباری ملل ایران با سرکوب

و خفه کردن حركات مل آزادی خواهی مل محرم ایران چیزی دیگر نمیباشد.

بنابراین ملل محرم ایران با تمام قوای با حکومت که، سرکار نیامده

علیه حقوق مل آنها اعلان جنگ میدهند، مبارزه خواهند کرد.

از آخرین صحنه های انقلاب مشروطیت:

هنگام ورق زدن "تاریخ مشروطه" ایران "نوشه" مرحوم احمد کربوی شاهده میکنم که، ایالات جنوبی ایران در اوایل این نهضت شرکت فعالی نداشتند. علاوه بر این دیده میشود که، امپریالیسم انگلستان در این دوران و سالهای بعد از آن سیطره عجیب بر این ولایات و بویژه سران عشایر آن داشت.

روز سه شنبه دوم نیویورک ۱۲۸۷ محمدعلیشاه مجلس را بتوب بست و

استبداد صعیر آغاز شد. کابوس استبداد سرتاسر ایران را فراگرفت.

ولی تبریز تسلیم نشد. معاہدین، این فرزندان قهرمان آذ ر-

با ایان تحتر هبری ستارخان و باقرخان داستان حمامه ای حقیق خود را

آغاز نمودند. روز جمعه بیست و ششم نیویورک ۱۲۸۷ ستارخان با ۱۷ نفر

از یاران پرچم های سفیدی را که، در تاریخ میسیسیپی "کنسول رویسیه"

تزاوی بالای دره زده شده بود، بانیین آورد. جنگ واقعی بین

مجاهدین و طرفداران استبداد در گرفت. تبریز بمقابل مختاری خود آغاز کرد. تمام نیروهای محمدعلیشاه با مسلحین عشایر طرفدار او

تحت فرمان عین الدوله تبریز را محاصره کرده و راه آزاده را به اقلای بیرون

بستند. ۶۰۰ نفر سوار بختیاری نیز جزء این نیرو بودند که، تحت فرماندهی

سالار نظام بختیاری آمد، بودند / نگاه کن. تاریخ مشروطه ایران -

کربوی - چاپ هشتم ۰۱۳۶۴ ص ۲۴۸ و ۲۶۰ / / این نخستین سردار

بختیار است که، با نام او در تاریخ مشروطه ایران برخورد میکنم.

تبریز سخت ترین و حمامه آفرین ترین ایام اقلاب را از سر میگذرد.

اند. هر روز ضربات مهلهک به نیروی ارتش وارد شده و عده ای از مید-

بسته در صفحه ۳

جسم گیری اقدام نمایند. ولی ازاواخر قرن گذشته با نفوذ سرمایه - داری و توسعه رو بسط نهاده ای آن در ایران شعور ملی مل محرم ایران بسیار شد. این خود آگاهی ملی بک از عمل اسما اجتماعی اقلاب مشروطیت بود. در انقلاب مشروطه و انقلابات بعد از آن مل محرم ایران، به قول پیشنه وری، از ملیت و حقوق ملی خود کم صحبت کرده اند. ولی خود را همیشه ملت مستقل حساب نموده و به امید نیل حقوق ملی در حرکات شرکت کرده اند. "کم حرف زدن" مل محرم ایران در حرکات اسلامی و آزادی همه ایران صورت گرفته، اسلامی فارس ایران بخاطر حفظ تسامیت و آزادی همه ایران صورت گرفته، اسلامی فارس ایران بخاطر حفظ اتفاقات در شمال ایران از مدد میباشد. اینها بجهان کشته و شدید مبارزه شون سلفهای خود با بجای گذاشتند. سیاست را ترک خواهند نمود. بدون شک حکومت سیر نظامی شاهپور بختیار نیز این امر را توانست. سیاست را ترک خواهند نمود. در رسانه ایران باره بیهیج دلیل و سرمهی ایران تا نیل سر نگونی سلطنت و ایجاد حکومت جمهوری ترکه ای متوجه شد. ایران از بایان خواهد نشست.

چه عواملی بختیار را براین کار واداشت؟

اختیار به شکست داد و شاهپور بختیار را "مور شکیل کابینه" داد. توصیه اینکه رهبران جمهوری ملی، وقتیکه شاهپور بختیار را در تصمیم خویش حذی و قطاع دیدند، اورا بعلت همکاری بازیزی پهلوی و سریعی از قرار تشكیلات، از صفوی جمهوری ملی ترد نمود. بدون شک حکومت سیر نظامی شاهپور بختیار نیز این امر را ترک خواهند نمود. در آسیا دوران اقلاب به روز را - دموکراتیک تنها در سال ۱۹۱۴ در ایران باره شرکت میباشد. اینها بجهان کشته و شدید مبارزه شون سلفهای خود با بجای گذاشتند. سیاست را ترک خواهند نمود. در رسانه ایران باره بیهیج دلیل و سرمهی ایران تا نیل سر نگونی سلطنت و ایجاد حکومت جمهوری ترکه ای متوجه شد. ایران از بایان خواهد نشست.

روشن جمهوری ملی تا امروز و موضع گیری آن علیه رزیم و همکام آن

با تولد های زحمتکش و مل محرم ایران قابل تحسین و متابیش میباشد.

با اینکه جمهوری ملی شکیلات بسوز و ازی ملیست، لذا از لحاظ

منافع طبقاتی طبقه بسوز و ازی بطور کلیست. علاوه برایان

خصوصیت عمومی، بسوز و ازی ملی ایران که، طول بینجه و وند سال

اخیر زیر بترجم شوینیسم فارس صحیح یافته و حکومت را اکنرا

در دست داشته است، دارای ویزگیهای میباشد. این ویزگی

اکثر کشورهای دیگر متعایز میباشد. این ویزگیها زایده کثیر

الملک و وابسته با امپریالیسم بودن میباشد. این ویزگی

که، بیان اعوامل اقتصادی دست بهم داده و سبب پیدایش افکار کوئن کون

و متفاوت در بسوز و ازی ملی متراق ایران شده است. تحت تاثیر این ایان

عوامل اقتصادی - احتمالی ایران جمهوری ملی شده است

بسوز و ازی ملی متراقیست، از عناصر ناهمگون، عناصریکه از لحاظ

انقلاب و افکار ملی دارای فرقهای فاحشی میباشد، تشکیل شده

است. همین ناهمگون در بین اعضاء جمهوری ملی باعث پیدایش شاهپور

بختیار در مرحله کشونی شد و بی شک مببپیدایش عناصر دیگری در

مراحل بعدی انقلاب خواهند شد. نقطه شاهپور بختیار که، در

بائین اشاراتی با آن خواهیم کرد، بوضوح نمایانگر این حقیقت میباشد که،

محرك و دافع اساسی بختیار بقبویست نخست و زیری در این شرایط

افکار شوینیستی حادیست که، در او از دیگر اعضا، جمهوری شدیدتر بود.

است. پیشرفت حقوق ملی و تشدید روز افزون حکومت ضد رزیم سلطنت و

فلج شدن تمام بخشهای حیات اجتماعی نشان میدهد که، بختیار موفق

به تشکیل حکومت وبا در صورت تشکیل قادر به ادامه دادن مدت قابل

مالحظه ای با آن خواهند بود و باحتمال قوی هنگام جلب این مختصر

ایشان مصدرا کاری خواهند بود. ولذا نوشتن این سطور زائد بنظر

میرسد. ولی نظریه اهمیت گفته های شاهپور بختیار و اینکه این سخنان

نمایانگر افکاریک از رهبران ملی میباشد، نگارش آنها را

لا زم شمردیم.

را زیگه از زیرده بیرون میافتد:

تحت رهبری حکیمانه "ریش سفیدان و شیخ های صفوی در اردبیل،

شاه اسماعیل صفوی تمام قشودهای اراضی ترک نشین ایران آن روز را در

آذربایجان شمالی و جنوبی منکوب و مطیع حکومت مرکزی ای نموده که، آنرا

در سال ۱۵۰۱ میلادی پس از اتحاد تمام حاکمیتی اذربایجان بازگردیت

زیان رسمی و دولتی آن زیان ترک ایران بود. در اثر فشار بیکانگان

مرکزی این حکومت بتدربیج سرکز ایران، یعنی نواحی فارم نشین منطقه شد.

با انتقال تدریجی ابتدا با قزوین و پس از آن باصفهان این حکومت بدست

شوینیسم فارسی افتد و ماخته ای این حکومت میباشد. بطور یکی

از زمان شاه عباس خلق آذربایجان و زیان و ادبیات آن مورد تاخت و

تاز و فشار روز افزون مرکز قرار گرفت. سایر مل محرم ایران نیز

دچار سرنوشت مشابه شدند. ترکان و کرد های که، امروز نهاد

مخالف ایران بشکل گروههای نسبتاً کوچک زندگی میکنند یادگار تبعیدهای

اجباری دسته جمعی این دورانهای است.

شوینیسم فارسیک، از این دورانهای حکومت واقعی را در دست داشت

از طرف در ایجاد فرمول "ملت ایرانی" که، بدون جون و چرا

زیان فارمی نیز جز ترکیان آن بود، کوچید، و از طرف دیگر در ایجاد

و شکنجه وزندان، بی مرجعیت و در برابر ظلم و تعدی، بی پناهی و تحمل به مصائب متحاویین، ناراح نرتوهای ملی از جانب بیگانگان و عمال آنها، و پیرانی کشاورزی و ازبین رفتن صنایع ملی، توسعه فرهنگ و اخلاق و ادبیات استعمالی و روچیه و لنگاری و نفع برست بین توده ها و ۰۰۰۰۰ ندیده اند. اما پنج درصد اهالی کشور در عرض ۲۵ سال سعادت، زندگی و خوشبختی این توده ها را بختار بردنده، حتی تبسیم و خنده، زندگی راز ایلان آنها زدیدند. این پنج درصد از توده بهتران، آقا بالا سرها، هزارخانواده، فامد، دزادان و نو- کران احباب، اعضا فراماسیون و سیا، غارتگران اموال توده، مختلا نسایدگان سناء و محلس شورا، بانگداران و روسای شرکتها، ملیون نرها و مرطبه های ایلان بزرگ و شما میرزا بنویسها و نوکران حلقه بگوش و کاسه لیسان آنها بودید. بلی آقایان نویسنده کان محمد رشاعی بیست و پنج سال اخیر، میهن شما در خطراست، ایران آبستن حوات ناگواریست، بلی ایران بکوره، آتش مبد ل شده ولی همه جیز در آن نه بلکه شماها ذوب خواهید شد، آقایان ایمان میرزا بنویسها این صدای عربده جویان نیست که، فضای ایران را لرزد، درآورد، است، بلکه صدای خشمگان ز حشتگان و ملل محروم ایرانست، این عکس العمل فشار ۲۵ ساله، شماست که، اینبار شمارا به اسفل السافلین پرتاب خواهد کرد، بلی جنابان میرزا بنویسها! آن دزدیها، اختلا سها، جنایات و جایتها، وطن فروشیها، غارت و چاپلهها، شکنجه ها، اعدامها، رذانه ها و ۰۰۰۰۰ که، شما با لوت کردن نام گرامی میهن آنرا و وطن و میهن می نامیدید سخت در خسته ایست، اساس میهن شما بزرگ افتاده و فرو میریزد و باید فروریخته و نابود گردد، در این نبرد هستی سارکه، توده های ز حشتگش و ملل محروم ایران علیه شما آغاز کرده اند و هر روز داشته اش گستردگی میشود، میهن شما، برای ابد از بین خواهد رفت ولی آنچه توده ها در این نبرد از دست خواهد داد تمام بدینهای است که، طول بیست و پنج سال اخیر بdestشما بر آنها تحمیل شده است، اساس میهن اصلی، میهن نود و پنج درز حشتگشان و ملل محروم نه شهاد رخطر نیست، نه تنها از بین خواهد رفت بلکه با فرو ری توده ها و فروریختن، میهن شما از خطر حقیقی رسته و براءه ترق، آزادی، استقلال حقیقی و شکوفایی بدون توقف آغاز خواهد نمود، و ملل ایران برادر وار آزادانه بزندگی حقیقی شروع خواهد کرد.

رفیقی از ایران می نویسد :

رشد آنادی مردم به حدی بالا رفته که با هیچ ائتلاف و سازشی نمی توانند حلوایی مبارزات قبه رانه خلقوی است دیده و ائمه ان سند
کشند مردم یکدل و بیک زبان خواهان جنان حکومتی هستند
ضاقع اگریست توده های زختکش میهمن مان تامین کند .
وظمناً از شعارهای که در تبریز و تهران در دیوارها بودند
برای ما نوشته است عیناً نقل میکنیم .

شاه سنتی تختد ن سالاجاچ خلقیمیز
بیر قانا مین قان لا حاچ خلقیمیز

زندانیان سیاسی باید آزاد گردد
این شاه آمریکائی باید اعدام گردد
علی علی علی محو اولون بله لوی

گر حکم ایلیه بوگون مراجعاً بو شاه جنایتکارا راحی
جمعه الله بیزار لحه آلن قولدور رشانون او غلی نسی
تخته دن یره مادران

بکومرگ بر شاه ، بکومرگ بر شاه ، بکومرگ بر شاه
تاشاء کفن نشود ، این وطن ، وطن نشود .

در روازه تمدن باقتل علام مردم .

علم اودی یاندیروی بیز داده گل سولدی ولن کلی امداده مل .
درود بر خمینی بسته سکن .

اتحاد ، بیاره ، پیروزی
به گریه مادران به ناله بتیمان شاه ترا میکمیم .
تازگی ها شاه مسلمان شده آب شوی خون حوانان شده .
کوش بر خمیز که ، گندش در آمد .

کدام میهمان
در خطر است؟

این او اخر عده ای از روزی نامه های بلندگوی د، بار در صفحات خود واز آن-
حمله روزی نامه "ارداده آذربایجان" در شماره "خستد وره" نو
خود بتاریخ می ام آبانماه ۱۳۵۲ چنان فریاد و امینها سرداده اند که،
کویا نویسنده کان آنها از آتش بیاران و نوکران حلقه بکوش زیم محمد رضائیه
طول ۲۵ سال احییر نبوده اند. کویا آنها از عمال سرسبرد "شونیس-
فاس و هیئت حاکمه خود فروخته و اربابان آنها در مبارزه علیه حرکت
آزادی خشن ملی حلق آذربایجان و سایر ملل محروم ایران در می سال اخیر
نبوده اند. هنکام خواندن این فریاد های تظلم و امینهای این جوهر نوکران
امپریالیسم و ارتقای ضرب المثل مشهور عرب بیان می‌آید که، می‌گوید: «ضربی
وبکی، سبقنی و اشتک / مرا زد و خود گریست، بیش گرفته
شکایت کرد / بیست و پنج سال بمحاتم توده ها نشستند، رحمتکشان
وملل محروم ایرانرا از ابتدای تیری می‌حقوق انسان محروم نمودند، بیست
و پنج سال میمین مارا غارت کرده چاییدند و جیب خود و اربابان امپریالی-
ستی خود را پر کردند، بیست و پنج سال قسانوں جنگل برقرار کرده
بمال و جان و ناموس تسوده ها تجاوز نموده آنها از هستی ساقط-
کردنده ۰۰۰۰۰۰۰ و اینکه، توده ها بیا خاسته اند و ورق برگشته است
بیشتر از مظلومین و قسرایان حسنايات خود فریاد تظلم سرداده از قسانوں
وعدالت و میمین و آزادی و حقوق ملی و انسان ۰۰۰۰ دم میزند و صدای
و امینهای شان گوش فلک را کر میکند.
آقایان نویسنده کان! کدام میمین در خطر است، میمین که در خطر است؟
آیا ۹۵٪ سردم ایران که، صاحبان و نگهبانان حقیق ایران بوده و هستند؟ در

آقایان تویستدگان! کدام میهن در خطر است، میهن که در خطر است؟ آیا ۹۵٪ مردم ایران که، صاحبان و تکهبان حقيق ایران بوده و هستند، در

طول ۲۵ سال اخیر حق حیات داشتند؟ دارای میهن بمعنای جای گاه زندگی و سعدت ۰۰۰ بودند؟ بین معنا آیا توده های مردم صاحب میهن بودند؟ نود و پنج درصد مردم ایران یعنی زحمتکشان و ملل محروم ایران در عرض ۲۵ سال اخیر و حتى طول سلطنت نکبت بارخاند ان

به لوی چیزی جزا ختناق و قلدری « بی قانون و حق کشی » بی خانعی و در بدتری « بی مسکن و مرض » عارت و چپاول و دزدی « پخش هروئین و هتك ناموس » آفای و صربات چکه های امیریالستها « محرومیت از حقوق ملی و زیان مادری تسوام با تحقیر ملی » جهل و بیسواندی « تیرباران و قتل

تلash مذ بوحانه * خود رزیم سلطنت جیزی نیست . امرؤ زکه ، رزیم
بهلوی مورد حسوم خشمگین و روز افزون توده های زحمتکش و نیرو های
متفرق طبقات و ملی ایران قرار گرفته است ، دربار ، هیئت حاکمه و پشتیوانا
اجتماعی آنها یعنی بسوز روازی کمپرادر و جیره خواران آنها با تمام
قواسی دارند با عقب نشینی های تاکتیکی تکیه گاه اساسی رزیم و طبقه *
حود ، یعنی قانون اساسی را از گزند مصون نگاهدارند . تا پس از فروکش
نمودن حرکات توده ای بر اساس همان قانون بار دیگر بر اسب مسراط سوار شده
و دمار از رو زگار ز حستکشان ، نیرو های پیشرو و ملل محروم ایران در روند
در مقابل این تاکتیک رزیم سلطنت و هیئت حاکمه نیرو های پیشرو ز حستکش
- ن و ملل محروم ایران با پیش کشیدن شعار جمهوری دموکراتیک
توده ای مخالفت قطعی خود را علیه قانون اساسی و مستمس آن اعلام
داشته و با تمام قواعده ای آن مبارزه میکنند . اینک رزیم محمد
رضاشاه قدم دیگری عقب نشینی می نشینند . گناره گیری محمد رضا شاه
و تشکیل شورای سلطنت ورد زیان محافل میانی و خبرگزاری هاست .
ولی هیچ یک از گروه های نیرو های مستقری حاضر بمصالحه و
آشتی و همکاری با آن نیست . این بدان معناست که ، نیروی مخالف رزیم
با قانون اساسی بهيج وجه سر آشتی ندارند و تا اربیان بودن آن و برقراری
جمهوری دموکراتیک خلق از مبارزه دست نکشیده و به پشتیانی کارتمنما
از شاه و قعی خواهد نهاد . البته این مسئله : ۱۱۱ علل اقتصادی
دی و اجتماعی عمیقتری دارد که ، در جای دیگر در بسیاره آن بحث خواهیم

از جنایات ارتش ایران وابسطه به آمریکا .
محله اشترن (آلمن غربی) در شماره ۲ ژانویه ۱۹۷۹ می‌نویسد .
هر روز از تهران سه هواپیمای آل بر از فرایمیان
یهودی به بطرف تل آویو برخواست کند در عوض سه هوا-
پیما آل روزانه بر از تکنیسین های ارتش اسرائیل به
طرف تهران برخواست کنند . این کارشناسان از اسرائیلی-
هایی هستند که، سالها پیش مباحثوت کرده اند و زبان فارسی را
خوب باور نداشتند .

توده های خلق و حکم متبختریار؛
ولی برای همیشه نمیتوان آنها را فریفت و زیر یوغ استبداد وی حقوقی نگاه داشت.

جنانه اشاره کردیم جبهه " ملی ارعناصر ناهمگون تشکیل شده است . بیشک نمایندگان ملل محرم ایران نیز در آنچا وجود دارند . این اعواد طول همکاری خود با شاهپور بختیار از افسکار حاد شویستی اوی اطلاع نبودند و بیکمان خوشایندشان نبود . روی این اصل از نخستین رو زیکه شاهپور بختیار به پیشنهاد شاه دایریه تشکیل حکومت غیر نظامی جواب منبتد داد ، جبهه " ملی اورا از صفو خود راند . این عمل مخالفت نیرو های ضد رژیم با حکومت بختیار قبل از تشکیلش بود . از همین روزها که از هماری نیز علاوه گذاره گیری کردند ، حركت توده " ها در سرتاسر ایران شدت یافت . روز سی و یکم دسامبر گذشته حادثه " مشهد روی داد که ، در آن صدها نفر کشته و هزاران نفر مجروح شدند . در این حادثه خانه آیت الله شیرازی در مشهد محاصره و بگله بسته شد . نیرو های مسلح در این حریان تا آن درجه بیش رفتند و مقاومت بخرج دادند که ، مردم بی سلاح را زیر تائمه له کردند . در رهایی بزرگ خیابان ها از ریشه کنندند . این قتل و کشتار فاشیستی نیرو های مسلح چنان خشم و غضب توده های مشهد را برانگیخته بود که ، سربازان جراحت نمیکردند . از سرباز خانه بیرون آیند . مردم چند نفر افسر و پسر ایمان مجرم را کشته و در معرض تعماشی عموم گذاشتند . بودند . روز دوم سال نو مسیحی در تظاهرات خونین کرمانشاه نزد نفر کشته و بین از صد نفر خسوس شدند . همان روز در قزوین که تیریز و شهرهای دیگر حرکات مشابه ای روی داد . هیرو زد رشته های بزرگ و تمام مناطق کشور حرکات توده ای و تصادمات خونین روی میدهد . بین از تشکیل حکومت بختیار روز هفتم زانویه بنای دعوت جبهه " ملی و روز بعد بنا به اعلان روز سوگواری از طرف رهبران دیگر نماینات پر جوش و خرسشی در تهران و سایر شهرهای کوچک و بزرگ روی داد که ، منجر بکشته و زخمی شدن عددی کثیری از مردم بی دفاع شد .

توده های زحمتکش و ملل محروم ایران با این نمایشنامه خروشان قبل از شکیل حکومت بحثیار و نخستین روز های آن از حکومت وی استقبال نمودند. بقول مثل مشهور "سالیکه نکوست از بهارش بید است" عمر این حکومت بیشتر از عمر سلف ای خود کوتاه تر خواهد بود. جای او را چگونه حکومتی خواهد کرفت؟ حکومت کوئاتی نظامی و یا حکومت ملی توده ای؟ اینرا اینده نشان خواهد داد ولی بی روزی نهایی با توده های زحمت

اما آنچه حکومت شاه پور خیار به توده های رحمتکش و ملل محروم ایران یاد خواهد داد عبارت از اینست که باید از جانب شوینیسم فارس هوشیار باشد زیرا این شوینیسم برای حفظ سیاست بیشین حوصله زد و بنده با هر نیروی صد خلق میباشد این نیرو میتواند که چهره انقلابی بخود گرفته و چون سرداران حلق الساعه انقلاب مشروطیت یار دارا بوده و دل باسکندر داشته باشد .

بچه مبارزه بیکری ۰۰۰۰۰
هالی کشور را تشکیل مید هند از تمام حقوق ملی ، حتی از خواندن و نو -
شتن بزبان مادری خود محروم بوده و دارای یک روز نامه و دستن بزیان
مادری خود نمیباشد . محرومیت ملی این ملل و ستم ملی وارد بآنها
شاید در جهان امر روزی بی نظیر باشد . این ملل محروم در بروند مرس ز
دارای همسو مهانی هستند که ، از لحاظ فرهنگ ملی بینهایت پیش رفته اند .
این عوامل و پیشرفت حاممه بطور کل طول هفتاد سال اخیر باغت بیداری و
تفوقیت احساسات ملی ملل محروم ایران شده است . حرکات آزادی خشن ملی
این ملل در عرض هفتاد سال اخیر بیانگر این احساسات ملی است که ، خود دلیل
عملی بمخالفت آنها بقانون اساسی موجود و متمم آن می باشد . بر عکس
این قابل تصور نیز نمیباشد . زیرا مسل محروم ایران نمیتواند موافق
قانونی که برعليه حقوق ملی آنهاست باشد . این ملل خواهان قانونی
نمیباشند که ، حقوق ملی آنها را بر سمیت بشناسند . و این جنین قانون جز قانون
جمهوری دموکراتیک توده ، افراد اسیوایران نمیتواند باشد . بنابر این مطل
محروم ایران که یعنی دوسووم اهالی ایران نه تنها با قانون اساسی فعلی و
متمم آن مخالفند . بلکه با - مهوری دموکراتیک بورز واژی نیز نمیتوانند
سازگار باشند . زیرا آنها در شرایط جمهوری بورز واژی نیز تحت ستم
ملی بسر خواهند برد ولذا علیه آن مبارزه خواهند نمود .
از این جانین نتیجه گیری میشود که ، پیشکشیدن قانون اسامی و

دفایع از اجرای کامل آن که، بلندگو یان رزیم براء انداده اند، جز